گزارش خبری

توقع غیرمتعارف از نفت

ایسنا: انتظارات فعلی مردم بوشهر و عسلویه بحق است اما نباید توقع غیرمتعارف و خارج از مصوبات دولت از نفت داشته باشند. کاظم وزیری هامانه ـ وزیر نفت ـ در این مراسم اظهار کرد: آنچه امروز در عسلویه دیده می‌شود حاصل تلاش مدیران قبلی صنعت نفت بوده است که نباید زحمات آنها را نادیده گرفت.

وی افزود: در صورت به بهره‌برداری رسیدن ۲۸ فاز پارس جنوبی ۲۸ فوت مکعب در روز (معادل ۷۰۰ میلیون مترمکعب در روز) گاز تولید می‌کند که برای مصرف داخلی، تزریق و صادرات به صورت LNG و خط لوله اختصاص می‌یابد. وزیری هامانه با اشاره به طرح‌های پتروشیمی که تا پایان سال به نتیجه می‌رسند، خاطرنشان کرد این واحدها ۱۶ میلیون تن محصولات پتروشیمی خواهند داشت و سایر فازهای پارس جنوبی و واحدهای پتروشیمی به زودی به بهره‌برداری می‌رسند. وزیر نفت خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد که مجموعه نفت یکی از صادق‌ترین مجموعه‌های کشور است و افزود: حوزه فعالیت کارکنان نفت شبانه‌روزی و در نقاط سخت، گرم و دورافتاده است. وی تاکید کرد که به آنچه پذیرفته‌ایم و به دولت قول داده‌ایم متعهد هستیم اما انتظار داریم که توقع غیرمتعارف از نفت نداشته باشند و آنچه در قالب قانون و مصوبات است از ما طلب کنند. وزیر نفت در ادامه با اشاره به امضای قرارداد فازهای ۱۵ و ۱۶ و واگذاری آن به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا افزود: ما به این قرارگاه اعتماد کامل داریم و انتظار داریم که به موقع و در سقف تعیین شده زمانی پروژه را تحویل دهند.

■ نوذری: سال ۲۰۱۲ از قطر پیشی می‌گیریم

مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران با اشاره به عملیات توسعه و اجرای عملیات در فازهای پارس جنوبی اظهار امیدواری کرد که فازهای ۶، ۷، ۸، ۹ و ۱۰ طبق برنامه تعیین شده امسال و سال آینده به بهره‌برداری برسند. غلامحسین نوذری اظهار امیدواری کرد تا پایان سال پیمانکاران فازهای ۱۹ تا ۲۳ انتخاب شوند. مدیرعامل شرکت ملی نفت ایران در ادامه تولید مجموع فازهای پارس جنوبی را ۲۸ هزار میلیارد فوت مکعب گاز اعلام کرد که ارزش تقریبی محصولات آن ۱۶ میلیارد دلار خواهد بود و تا به حال حدود پنج میلیارد دلار آن بازپرداخت شده است. وی با اشاره به شروع به کار قطر در پارس جنوبی از سال ۱۹۹۱ افزود: قطر تاکنون ۲۹۸ میلیارد فوت مکعب بهره‌برداری کرده است و ایران که ۱۱ سال بعد کار را آغاز کرده تاکنون ۱۱۵ میلیارد مترمکعب بهره‌برداری کرده‌ایم اما توان تولید ما در سال ۲۰۰۶، ۱۴۲ میلیون مترمکعب عقب‌تر از قطر می‌شود و تقریباً مساوی هستیم. البته از سال ۲۰۰۶ به دلیل پروژه‌هایی که در قطر به بهره‌برداری می‌رسند عقب می‌افتیم. نوذری اظهار امیدواری کرد که در سال ۲۰۰۸ به تولید قطر نزدیک شویم و افزود: تولید قطر از ۲۰۰۹ افزایش می‌یابد و در سال ۲۰۱۲ با اجرای پروژه‌های فازهای پارس جنوبی تولید بیشتری نسبت به قطر خواهیم داشت.

■ عابد: احتمال حضور شریک خارجی

«ترک تشریفات در واگذاری فازهای ۱۵ و ۱۶ به قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا در راستای برنده شدن در مناقصه این فازها بوده است.» سردار عابد ـ جانشین فرمانده قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا ـ در مراسم امضای قرارداد فازهای ۱۵ و ۱۶ پارس جنوبی که در عسلویه و با حضور رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد، ضمن اشاره به اهداف این قرارگاه برای سازندگی کشور در زمان صلح اظهار کرد: اگرچه به صورت شکلی پروژه به صورت ترک تشریفات به قرارگاه سازندگی منتقل شده است اما ما معتقدیم واگذاری این پروژه در راستای برنده شدن در مناقصه قبلی است. وی تصریح کرد که قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا در سال‌های گذشته در پروژه‌های نفت و گاز حاضر بوده است اما سر و صدای زیادی ایجاد نکرده چراکه علاقه‌ای به حرف زدن و عمل نکردن نداشته است. او با بیان اینکه اطلاع‌رسانی در مورد پروژه‌ها نداشته‌ایم، افزود: ارتباط قرارگاه خاتم‌الانبیا با پیمانکاران این پروژه مطلوب است و احتمال انتخاب شریک خارجی وجود دارد.

■ لایه نفتی پارس جنوبی تا پایان سال به تولید می‌رسد

«ارزش تولیدات فازهای ۴ و ۵ که در سال ۸۳ به بهره‌برداری رسیده حدود چهار میلیارد دلار است.»

اکبر ترکان ـ مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس ـ در مراسم امضای قرارداد فازهای ۱۵ و ۱۶ که روز چهارشنبه با حضور رئیس مجلس شورای اسلامی برگزار شد با بیان اینکه عمده فعالیت این شرکت در بخش دریایی و منطقه پارس جنوبی صورت می‌گیرد، افزود: تاکنون حدود ۱۰ میلیارد دلار درآمد از فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی داشته‌ایم که بخشی از آن به صورت بدهی به پیمانکاران پرداخت شده است. ترکان پیشرفت فازهای ۹ و ۱۰ پارس جنوبی را ۴۹/۵ درصد اعلام کرد و افزود: ۷۰ درصد کالاها و تجهیزات پروژه به سایت منتقل شده است. وی اظهار امیدواری کرد فازهای ۱۵ تا ۱۸ که قراردادهای آنها منعقد شده است در سال ۸۹ طبق برنامه به تولید برسند. وی با اشاره به حضور بزرگترین شرکت‌های بین‌المللی به جز آمریکایی‌ها در مناقصه فازهای ۱۹ تا ۲۲ تصریح کرد: برخلاف اخباری که در خصوص کناره‌گیری و تمایل نداشتن سرمایه‌گذاری شرکت‌های خارجی در ایران می‌شود شاهد حضور گسترده آنها برای مناقصه این فازها بوده‌ایم. مدیرعامل شرکت نفت و گاز پارس در ادامه به درآمد ۵۰۰ میلیون دلاری کشور از منطقه پارس جنوبی در سال ۱۳۷۵ اشاره کرد و افزود: درآمد سال ۸۴ از محل پارس جنوبی دو میلیارد و پنج میلیون دلار بوده است. ترکان در ادامه به طرح توسعه لایه نفتی پارس جنوبی که از سوی پتروایران انجام می‌شود، اشاره کرد و افزود: ظرفیت این منطقه ۲/۱۴ میلیارد بشکه است که برنامه تولید روزانه ۳۵ هزار بشکه برای آن پیش بینی شده است. وی افزود: پتروایران در حال حاضر چهار حلقه چاه را حفاری کرده است و امیدواریم قبل از پایان سال به تولید برسد.

دولت و توسعه صنعتی

ادامه از صفحه ۱۲

بنابراین ایران می‌تواند تنها بخشی از تجربه کشورهای صنعتی متاخر را تکرار کند به گونه‌ای که کشورهای مذکور نیز نتوانستند به دلایل فوق تمامی تجربیات کشورهای صنعتی اولیه را تکرار کنند. کشور در شرایط امروز نیاز بیشتری به افزایش رشد ظرفیت تولید، انباشت سرمایه و تغییرات نهادی و اقتصادی و اجتماعی دارد. با وجود نیاز فراوان به تغییر و نبود ساختارهای مناسب در بازارهای مختلف، برای رسیدن به این هدف نیاز توسعه صنعتی به دخالت دولت افزون می‌گردد. اما نکته مهم آنکه دخالت افزون‌تر دولت در این مقطع تاریخی از توسعه صنعتی، در نقش متفاوتی از گذشته باید شکل گیرد. امروزه کشورهای در حال توسعه‌ای مانند ایران که صنعتی شدن را تجربه می‌کند برای حمایت از صنایع نوزاد جهت کسب توان رقابتی در سطح بین‌المللی، پیشرفت صادراتی و در نهایت آزادسازی تجاری، زمان زیادی در اختیار ندارد. در حالی که این فرصت برای برخی از کشورهای صنعتی متاخر فراهم بود به طوری که توانستند با هدف تعمیق صنعتی و ارتقای رقابت‌پذیری، با اعمال حمایت‌های زمانبندی شده سطح محصولات داخلی را تا سطح بازارهای جهانی برسانند. بنابراین در شرایط کنونی با تاکید بر اهمیت فراوان و گستردگی دخالت‌های کارکردی دولت در ایجاد و توسعه نهادهای لازم به جهت ایجاد فضای قانونمند برای تسهیل فعالیت‌های اقتصادی بخش خصوصی، سیاست‌های گزینشی غیرمستقیم برای جبران شکست بازار در مواردی چون ارتقای تکنولوژی، توسعه آموزش و مهارت‌ها، توسعه SMEs، توسعه زیرساخت‌ها و سازماندهی فعالیت‌های صنعتی تاکید می‌گردد.

۳- در تجربه اقتصادهای صنعتی اولیه و اقتصادهای تازه صنعتی شده شرق آسیا، ابزار حمایت از صنایع نوزاد یکی از مهمترین راه‌های تعمیق صنعتی بوده است. باید توجه داشت که در شرایط جدید و تحولات آتی تجارت بین‌الملل امکان استفاده از این روش به عنوان اهرم ایجاد صنایع جدید در توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه فراهم نیست. اهداف توسعه صنعتی آینده باید با هدف توسعه رقابت‌پذیری، مبتنی بر یک بررسی از ساختار رقابتی زیربخش‌های مهم صنعتی و در مشاوره با نمایندگان صنعت تدوین گردد. بدین منظور بر اساس ویژگی‌های هر زیربخش ابتدا باید جهت‌گیری اصلی بازار (داخلی یا خارجی) را تعیین کرده و سپس شکاف‌ها و نقصان‌های مربوط به توسعه منابع انسانی و آموزش و کارآموزی، ارتقای ظرفیت فناوری، سازماندهی فعالیت‌های صنعتی، تدارک زیرساخت‌ها، تامین منابع مالی داخلی و خارجی، ارتباط با بازارهای خارجی را متناسب با تصویر و روند مطلوب آتی هر زیربخش تعیین و برای رفع این شکاف‌ها ابزارهای لازم را مورد تمهید قرار دهد. در این نگرش، دولت به جای ایجاد مداخلات حمایتی مستقیم، به بازآرایی هدفمند فعالیت‌های صنعتی در ارتباط با بازارهای داخلی و خارجی با هدف ارتقای رقابت می‌پردازد. از این رو نقش دولت در ایجاد سازوکارهای بازار و توسعه فضای رقابت، بسیار تعیین‌کننده است و تنها آن دسته از دخالت‌های دولت که در جهت رفع کاستی‌های بازار باشد، می‌تواند در شرایط جدید قابل توجیه باشد. دولت در تنظیم دخالت‌ها و سیاست‌های حمایتی خود با هدف قرار دادن ارتقای تولید رقابتی می‌بایست به طور هدفمند، مشروط و زمانبندی شده به رفع کاستی‌ها و مشکلات موردی تعریف شده بنگاه‌ها و صنایع خاص بپردازد و اکیداً از حمایت‌های نامحدود و عام بپرهیزد.

۴- اجرای موثر سیاست‌های صنعتی، نیازمند پیش‌شرط‌های مهمی مانند ثبات سیاسی، تضمین حقوق فردی، وجود اراده سیاسی برای توسعه صنعتی، ثبات محیط اقتصاد کلان، ایجاد نهادهای توسعه‌ای جدید، توسعه کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد، فناوری اطلاعات و تحقیق و توسعه است. نهادهای مرتبط با صنعت ضروری است که به نیازهای صنعت حساس بوده و از مشارکت و همکاری بیشتر بخش خصوصی استفاده کند. همچنین نظام سیاستگزاری و تصمیم‌گیری صنعتی در کشور می‌بایست توسط بهترین مدیران مستعد و توانمند اداره شود. ساختار سیاستگزاری صنعتی باید آنچنان باشد که سیاستگزاران با وحدت اقتدار از تمام گروه‌های فشار مبرا باشند به طوری که سیاست صنعتی دولت نباید براساس نگرش‌های کوتاه‌مدت سیاسی و یا به صورت برآیندی از منافع گروه‌های خاص شکل گیرد. تمامی توصیه‌های فوق مستلزم بهبود و ارتقای ظرفیت در بدنه دولت است تا بتواند سیاست‌ها را طراحی، اجرا و کنترل کند. این امر به نوبه خود مستلزم افزایش قابل ملاحظه اطلاعات و مهارت در دستگاه‌های اجرایی است. در برخی موارد نیز احتیاج به اصلاح ساختارهای سازمانی و انگیزشی است. هماهنگی بین شاخه‌های مختلف دولت باید بهبود یافته و مجموعه مرتبط و سازگاری از اهداف سیاستی اتخاذ گردد. فرآیند سیاستگزاری باید شفاف بوده و با همکاری قوی از جانب بخش خصوصی انجام گیرد. دولت باید تضمین کند که سیاست صنعتی به دور از فشارهای سیاسی شکل می‌گیرد و باید این توان را داشته باشد که حمایت خود را از بنگاه‌های اقتصادی که قادر به رقابت در یک دوره زمانی مشخص نیستند، قطع کند.

■ ۲-۳- مولفه‌های اصلی دخالت دولت در فرآیند توسعه صنعتی

۵- اصلی‌ترین مولفه‌های فرآیند توسعه صنعتی ایران به عنوان چارچوب کلی نقش دولت در فرآیند توسعه صنعتی شامل توسعه بخش خصوصی، توسعه زیرساخت‌های فیزیکی، مالی، نهادی و قانونی، آزادسازی تجاری، سازماندهی فعالیت‌های صنعتی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه مهارت‌ها و فناوری، در فضای باثبات سیاست‌های اقتصاد کلان است.

■ ۱-۲-۳- توسعه بخش خصوصی

۶- تغییر نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، مسئله توسعه بخش خصوصی را به طور جدی پیش‌روی توسعه اقتصادی و صنعتی ایران قرار داده است. با این حال طی سه دهه گذشته، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران، در مقایسه با بیشتر مناطق در حال توسعه و کشورهای موفق شرق آسیا، روند فزاینده چشمگیری نداشته است. عملکرد نامطلوب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در کشور می‌تواند دو توصیه سیاستی اصولی را در پی داشته باشد: اول آن که اقتصاد ایران با ایجاد ارتباط با بازارهای بین‌المللی می‌بایست خود را برای کسب سهمی از منافع جهانی شدن توانمند سازد و با توسعه بنگاه‌های بخش خصوصی قوی که بتوانند به طور کارا در بازارهای جهانی رقابت کنند، امکان دسترسی به منابع مالی و فناوری را در همکاری مشترک با بنگاه‌های بین‌المللی تحقق بخشد. دوم آن که توسعه بخش خصوصی با ویژگی فوق نیازمند شرایط محیطی مناسبی است که با ایجاد ظرفیت‌های نهادی برای توسعه رقابت، زمینه فعالیت کارای بنگاه‌های خصوصی را فراهم کند. بنابراین توسعه بخش خصوصی، به عنوان یکی از وظایف اصلی دولت، نیازمند تدوین، اجرا و نظارت مستمر بر مجموعه‌ای از سیاست‌های سازگار و هماهنگ است که بدون در نظر گرفتن انسجام درونی این سیاست‌ها، بخش خصوصی توسعه و ارتقا پیدا نمی‌کند. توسعه بخش خصوصی در یک اقتصاد بازار به مجموعه پیچیده‌ای از قوانین (به خصوص قانون رقابت)، زیرساخت‌های گسترده فیزیکی و نهادی، محیط باثبات اقتصادی و سیاسی، توسعه بازارهای مالی، جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، توسعه SMEs، انعطاف‌پذیری مقررات بازار کار، سیستم‌های ارتقای فناوری، آموزش و یادگیری نیاز دارد تا در مسیری که ابعاد توسعه صنعتی دائماً تغییر می‌کند، توانایی حرکت همگام با این تغییرات را داشته باشد. طبیعی است که فراهم شدن این مجموعه، در مسیر ایجاد شرایط لازم جهت پیاده‌سازی یک الگوی توسعه صنعتی در کشور به‌صورت خودکار اتفاق نمی‌افتد. ایجاد بنیان‌های نهادی و زیربنایی برای توسعه بخش خصوصی از وظایف ضروری دولت است. از طرف دیگر خصوصی‌سازی یکی از ابزارهای رسیدن به افزایش کارایی است.

دولت باید چارچوب قانونی خود را هم برای توسعه بخش خصوصی و هم برای خصوصی‌سازی بهبود بخشد و برای بازآموزی و جذب نیروی کار مازاد ناشی از خصوصی‌سازی برنامه‌هایی را اجرا کند و اگر بنگاه‌ها در مالکیت عمومی باقی می‌مانند با اصلاحات مناسبی در سازمان مدیریت این بنگاه‌ها، بازارگراتر و رقابتی‌تر شوند.

■ ۲-۳- توسعه زیرساخت‌های فیزیکی

۷- از وظایف مهم دولت در فرآیند توسعه صنعتی، تدارک زیرساخت‌های فیزیکی به عنوان مکمل سرمایه‌گذاری‌های بخش خصوصی است. به عبارت دیگر بدون زیرساخت کافی و مناسب، امکان گسترش فعالیت‌های اقتصادی، ضعیف و ناکارا است. افزون بر این سرمایه‌گذاری زیربنایی خود می‌تواند انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذاری مولد باشد. لذا تصمیم جهت سرمایه‌گذاری در زیر بناها، نیازمند یک دید توسعه‌ای بلندمدت است. مطالعات تجربی در سطح اقتصاد کلان و در سطح فعالیت‌های صنعتی به خوبی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری عمومی در زیرساخت‌ها، اثر مثبتی بر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد. به عبارت دیگر افزایش زیرساخت مناسب و کافی می‌تواند شرایط سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار بخش خصوصی را بهبود بخشد. از آنجا که کشش هزینه‌ای نسبت به زیرساخت‌ها برای فعالیت‌های صنعتی منفی است، با افزایش موجودی زیرساخت‌ها هزینه تولید کاهش می‌یابد.

■ ۳-۲-۳- توسعه نهادهای حقوقی و قانونی

۸- سیستم‌های حقوقی در اقتصاد بازار، قوانین بازی را تدوین و سازوکار مورد نیاز برای رسیدن افراد به حقوق خود را فراهم می‌کند. در توسعه بخش خصوصی و رقابت، ایجاد یک چارچوب قانونی سازگار و منسجم برای توسعه بخش خصوصی ضروری است. پیاده‌سازی موفق قانون رقابت در کشور نیز نیازمند قوانین مکملی است که در یک مجموعه، چارچوب قانونی فعالیت‌های اقتصادی را شکل می‌دهند. در این رابطه قوانین اقتصادی کشور باید حداقل دارای چهار ویژگی زیر باشد:

اول- تعریف و حفاظت از حقوق مالکیت دوم- وضع قانون به منظور تبدیل و انتقال مالکیت سوم- مقرر کردن قوانین برای ورود و خروج به بازار چهارم- ارتقای رقابت از طریق نظارت برساختار و رفتار بازار و تصحیح شکست‌های آن. قوانین سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به عنوان قوانین ورود به بازارها و قوانین انحلال و ورشکستگی قوانین خروج از بازار به شمار می‌آیند. همچنین تعریف و چگونگی حفاظت از حقوق مالکیت که ریشه در قانون اساسی کشور دارد، نیازمند بازنگری است. محافظت از حقوق مالکیت می‌تواند نااطمینانی را کاهش دهد و باعث گسترش فعالیت‌های رسمی اقتصادی شود. الحاق این قوانین به سایر قوانین (مانند قوانین کار و مالیات) می‌تواند یک چارچوب حقوقی معین را برای فعالیت‌های بخش خصوصی ایجاد کند. بنابراین بدون توجه به سایر الزامات حقوقی و قانونی، قانون رقابت به تنهایی کارساز نخواهد بود. از دیگر قوانین مورد نیاز توسعه بخش خصوصی در ایران، که نقش زیادی در اقتصاد بازار ایفا می‌کند، قانون ورشکستگی است. قانون ورشکستگی امکان خروج را به تولیدکنندگان ناتوان می‌دهد و باعث تخصیص بهتر دارایی‌ها می‌شود. از آنجا که در ورشکستگی، ارزش دارایی‌های موجود در یک بنگاه کاهش می‌یابد ولی سرمایه‌های فیزیکی سالم و قابل استفاده هستند، هنگامی که بنگاهی اعلام ورشکستگی می‌کند و از بازار خارج می‌شود، این امکان را به مالکان و سهامداران بنگاه می‌دهد تا سرمایه‌های باقی‌مانده را پس از ارزش‌گذاری مجدد، در فعالیت دیگر که توانایی دارند، به کار اندازند. این امر می‌تواند باعث استفاده کارا از سرمایه‌ها شده و کارآیی کل جامعه را افزایش دهد.

۹- رقابت هدفی است که توسط قانون و سیاست رقابت تشویق و حمایت می‌شود. حفظ و توسعه آن، نیازمند توجهات دولت است. بر اساس تجربیات اقتصادی، بنگاهی که می‌خواهد در سطح بازار جهانی رقابت‌پذیر باشد، ابتدا باید رقابت را در سطح ملی بیاموزد. لذا دولت باید چارچوبی را برای رقابت‌پذیری ارائه دهد. قانون و سیاست رقابت ملی یک محیط رقابتی را برای بنگاه‌ها فراهم می‌کند، که می‌تواند در بلندمدت به رقابت‌پذیری در سطح بین‌المللی بینجامد. بنابراین وظیفه اصلی دولت ایجاد محیطی مساعد همراه با سیاست‌های راهبردی فعال است. منظور از ایجاد محیط مساعد، تضمین سود زیاد برای بنگاه‌ها نیست. برای مثال اگرچه نرخ‌های بهره واقعی منفی، دستمزدهای پایین و یارانه انرژی می‌تواند به سودبخشی بنگاه‌ها کمک کند، اما این سیاست‌ها را نمی‌توان به عنوان عناصر مطلوب یک محیط مساعد رقابتی در نظر گرفت.

۱۰- دولت می‌تواند موانع رقابت در بازارهای مختلف را به کمک قانون رقابت و همچنین ایجاد نهادی برای حفظ و حراست از این قانون- نهاد حافظ رقابت- مرتفع سازد. تاکید بر این قانون و نهاد حافظ آن، به منظور توسعه رقابت و نظارت بر رفتار بازارها و اصلاح رفتار غیررقابتی بنگاه‌ها است. مسئولیت چنین نهادی جلوگیری از شکل‌گیری انحصار، تدوین آئین‌نامه‌های مربوط به انحصارات طبیعی و همچنین جلوگیری از واگرایی بیش از حد قیمت‌ها و هزینه‌ها است. وجود قدرت قانونی و استقلال برای چنین نهادی بسیار با اهمیت است، زیرا در این صورت می‌تواند تا حد امکان موضوع توسعه رقابت را از تبعات منفی تاثیر گروه‌های سیاسی دور نگه دارد.

■ ۴-۲-۳- توسعه بازارهای مالی

۱۱- از الزامات و پیش‌شرط‌های دیگر برای توسعه صنعتی، وجود سیستم‌های مالی مناسب و کارا برای پاسخگویی به تقاضای سرمایه‌گذاران است. به طوری که این امر نقش حساس و کلیدی در فرآیند توسعه صنعتی اقتصادهای پیشرفته، از طریق تسهیل در تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری‌ها ایفا کرده است. مطالعات نشان می‌دهد که سیستم‌های مالی با عملکرد مناسب توانسته‌اند آن دسته از سرمایه‌گذاران و بنگاه‌ها را که فرآیندهای جدید تولید را دنبال می‌کنند، تشویق کند.

■ ۵-۲-۳- آزادسازی تجاری، توسعه رقابت جهانی و همکاری‌های صنعتی

۱۲- در تجربه اقتصادهای صنعتی اولیه و اقتصادهای تازه صنعتی شده شرق آسیا، ابزار حمایت از صنایع نوزاد یکی از مهمترین راه‌های توسعه صنعتی بوده است، لیکن در شرایط جدید و تحولات آینده تجارت جهانی، امکان استفاده از این روش به عنوان اهرم ایجاد صنایع جدید در توسعه صنعتی کشورهای در حال توسعه فراهم نیست. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ دولت‌ها به طور گسترده موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای را کاهش دادند. اجرای سیاست‌های حمایتی تجاری در فضای آتی جهانی شدن اقتصاد بسیار محدودتر خواهد شد. در این رابطه توسعه ظرفیت فناوری بدون قرارگرفتن در فضای رقابت شدید بین‌المللی کاری دشوار خواهد بود. زیرا هم‌اکنون تجارت خود یک تغذیه‌کننده اطلاعات فنی است. دیگر آن که، افزایش میزان صرفه‌جویی‌های مقیاس در بسیاری از صنایع دلالت بر این دارد که مقیاس مناسب عملیات، بدون نگرش به بازار جهانی نمی‌تواند قابل حصول باشد.

یکی از اقدامات اساسی که دولت در آینده در پیش‌رو خواهد داشت، توسعه ظرفیت خود برای عضویت در WTO و مدیریت فرآیند آزادسازی است. به نظر می‌رسد استفاده از روش آزادسازی تدریجی می‌تواند رهیافت مناسبی در این زمینه باشد. در این رهیافت باید حمایت‌های شدید، مستمر و غیرآگاهانه و سایر موانع رقابت که همگی عواملی مخرب برای ساختار انگیزشی و فرآیند ظرفیت‌سازی محسوب می‌شود، به تدریج کاهش یافته و حذف شوند و با ارائه نشانه‌های آزادسازی در کشور، بنگاه‌ها و صنایع داخلی برای رقابت فزاینده جهانی آماده شوند. به منظور تسریع حرکت صنعتی شدن در اقتصاد ایران، دولت می‌بایست در یک دوره‌گذار در چارچوب توسعه بخش خصوصی و جهت‌گیری فزاینده صادراتی، رهیافت جدیدی را اتخاذ کند. فرآیند آزادسازی ساختارهای صنعتی موجود نیاز به سیاست‌های حمایتی دارد تا صنعت داخلی برای مواجهه با رقابت بین‌المللی آماده شود. این آماده‌سازی نه یک ورود سریع و بی‌پروا به میدان رقابت جهانی است، بلکه مستلزم تعقیب یک راهبرد سیستماتیک است که مستلزم دخالت‌های موافق بازار، به‌ویژه طی دوره گذار است. این امر ممکن است در ابتدا توسعه منابع انسانی و ظرفیت تکنولوژیکی واحدهای تولیدی کارآمد با مبنای مهارتی و سرمایه‌ای را ایجاب کند.

۱۳- در توسعه صنعتی آینده ایران، چگونگی سازماندهی آن دسته از فعالیت‌های صنعتی که به دلیل مقیاس تولید و اندازه بازار باید به بازارهای جهانی مرتبط شوند، دارای اهمیت است. باید توجه داشت که به دلیل رشد فوق‌العاده فعالیت‌های بین‌المللی بنگاه‌ها و انواع تلفیق روابط بین بنگاهی در کشورها و بخش‌های مختلف، مفهوم جهانی شدن بعد جدیدی یافته است. به دنبال جهانی شدن ارتباطات و بازارها انتظار می‌رود جهانی شدن تولید نیز به طور چشمگیری طی دهه آینده افزایش یابد. این امر نه تنها می‌تواند توسعه فعالیت بنگاه‌ها را به خارج از مرزهای داخلی تسهیل کند، بلکه ظرفیت فراوانی برای رشد و پیشرفت ایجاد می‌کند. در این رابطه نقش دولت در تنظیم سیاست‌های خارجی هماهنگ با سیاست‌های اقتصادی به منظور تحقق همکاری‌های گسترده بین‌المللی و منطقه‌ای، در زمینه جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه روابط تجاری تعیین‌کننده است.

۱۴- از جمله عوامل دیگر توسعه رقابت در کشور، ارتقای استانداردهای تولید است. استاندارد اطلاعات جاری را بهبود می‌بخشد و تولید و مبادله را تسهیل می‌کند. در بازارهای داخلی، رعایت مسائل مربوط به استانداردها می‌تواند از جمله عوامل موثر بر رقابت محسوب شود. از آنجا که رعایت استانداردها هزینه‌زا است، لذا بنگاه‌ها باید تصمیم بگیرند که یا یک طرح بنیادین را که می‌تواند آنها را با استانداردهای بازارهای جهانی تطبیق دهد، انتخاب کنند و یا تنها تصمیم به تولید برای بازارهای داخلی بگیرند. چون یکی از شرط‌های مهم ورود به رقابت بازارهای جهانی، رعایت استانداردهای تعیین شده است.

■ ۶-۲-۳- سازماندهی فعالیت‌های صنعتی و توسعه صنایع کوچک و متوسط

۱۵- سیاست‌های دولت باید بر ارتقا و توسعه بنگاه‌های داخلی و ظرفیت کارآفرینی داخلی متمرکز شود. این امر مستلزم فعالیت‌های حمایتی نهادی مانند توسعه منابع انسانی، حمایت‌های مالی، تطبیق فناوری و تحقیقات صنعتی کاربردی و ارتباطات و ائتلاف‌های خارجی است. در این رابطه به منظور تحقق منافع اقتصادی- اجتماعی صنعتی شدن، دولت باید برنامه‌های خاصی را جهت توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط تدارک ببیند. این بنگاه‌ها سهم عمده‌ای از بخش خصوصی را برعهده دارند و به دلیل ویژگی‌های بارز و بالقوه خود، از بنگاه‌های بزرگ تفکیک شده و نیازمند حمایت‌های خاص از سوی دولت است. ذکر این نکته ضروری است که حمایت از این بنگاه‌ها باید در راستای تحقق هدف‌های راهبردی توسعه صنعتی باشد. بنابراین اگر رقابت‌پذیری، توسعه فناوری و ارتباط با بازارهای جهانی از طریق توسعه صادرات در چارچوب یک سازماندهی مشخص از فعالیت‌های صنعتی، چون نظام شبکه‌ای و خوشه‌ای، در استراتژی توسعه صنعتی هدف‌گیری می‌شود در نتیجه حمایت از SMEs نیز باید به طور هدفمند و در این راستا انجام گیرد. سیستم‌های حمایتی از SMEs شامل حمایت‌های فنی و آموزشی، بازاریابی و مالی است.

خلاصه مقاله

۱- اجرای موثر سیاست‌های صنعتی، نیازمند پیش‌شرط‌های مهمی مانند ثبات سیاسی، تضمین حقوق فردی، وجود اراده سیاسی برای توسعه صنعتی، ثبات محیط اقتصاد کلان، ایجاد نهادهای توسعه‌ای جدید، توسعه کارآفرینی و مهارت، کنترل کیفی و استاندارد، فناوری اطلاعات و تحقیق و توسعه است.
۲- تغییر نقش دولت از یک سو و جهانی شدن از سوی دیگر، مسئله توسعه بخش خصوصی را به طور جدی پیش‌روی توسعه اقتصادی و صنعتی ایران قرار داده است.
۳- از الزامات و پیش‌شرط‌های دیگر برای توسعه صنعتی، وجود سیستم‌های مالی مناسب و کارا برای پاسخگویی به تقاضای سرمایه‌گذاران است.

■ ۷-۲-۳- توسعه مهارت و فناوری

۱۶- آینده رشد اقتصاد، صنعت و خدمات در جهان عمدتاً بر مبنای مهارت متکی خواهد بود. به منظور کاهش نقصان‌های اولیه لازم است که دولت بر افزایش منابع انسانی و جذب مهارت‌های تکنولوژیکی جدید و ظرفیت‌های نوآورانه در سطح بنگاه‌ها تمرکز یابد. فرآیندهای متکی به فناوری بالا تمایل به سرمایه بیشتری دارند. نسبت صادرات محصولات صنعتی HT رو به افزایش است. در طول دوره گذار، کشور لازم است فناوری‌ها و مهارت‌ها را خصوصاً برای ظرفیت صادراتی ارتقا دهد. ۱۷- در اقتصاد ایران، ماهیت توسعه آموزش و ارتقای فناوری، به علت استراتژی درون‌نگر در گذشته بر این امر مبتنی بوده است که بنگاه‌ها در یک فضای اقتصادی بسته با چالش منظم بازار مواجه نبوده‌اند. در چنین شرایطی بسیاری از بنگاه‌ها در مسیر انباشت انواعی از ظرفیت‌های داخلی فناوری مدیریت شده‌اند که در چالش‌های رقابتی و شرایط آزادتر و مقررات‌زدایی شده به آنها کمکی نمی‌کند. بنابراین باید توجه خاصی به توسعه ظرفیت فناوری در سطح بنگاه‌ها معطوف شود. چنین ظرفیتی به آموزش‌های مداوم و برخورداری بنگاه‌ها از یک استراتژی صریح مدیریت فناوری بستگی دارد. ۱۸- در شرایط کنونی ایران، توسعه سرمایه انسانی در فرآیند افزایش رقابت‌پذیری بین‌المللی حیاتی‌ترین عنصر است. بین موسسات تحقیقاتی، دانشگاه‌ها و بنگاه‌های صنعتی همکاری‌های بالقوه زیادی وجود دارد و این رابطه باید از طریق تقویت نهادهای زیرساختی و تشویق و تحریک بنگاه‌های بخش خصوصی در تعیین و فرموله کردن نیازهای تکنولوژیکی ترقی یابد. با درک روشن ارتباط فناوری و رقابت‌پذیری، با سودآوری و رشد، بخش خصوصی همکاری خود در سیاستگزاری تکنولوژیک و سرمایه‌گذاری در انتقال فناوری و فعالیت‌های R&D را افزایش خواهد داد. چنین سرمایه‌گذاری‌هایی باید از طریق کمک‌های دولت مورد تشویق قرار گیرد. ۱۹- دولت باید به فرموله کردن استراتژی‌های ملی و اجرای برنامه‌ها برای ارتقای تکنولوژی توجه خاص معطوف دارد. به طوری که در آنها، فعالیت‌های مورد نیاز در سطح بنگاه‌ها، نهادها و دولت مورد تاکید قرار گیرد. این برنامه‌ها می‌تواند برای پوشش دوره‌های سه تا پنج ساله فرموله شده و به‌صورت ادواری بررسی و تجدیدنظر شوند.

■ ۸-۲-۳- جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

۲۰- از مولفه‌های دیگر فرآیند توسعه صنعتی در اقتصاد ایران، به کارگیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است. این روش افزون بر تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری، دارای آثار مثبتی چون انتقال فناوری و دانش فنی و در اختیار داشتن بازار فروش وسیع‌تر و بهبود مدیریت است. در شرایط اقتصاد ایران برای جذب سرمایه‌گذاری کافی در فعالیت‌های با ارزش افزوده بالاتر به همراه تعمیق فناوری، سیاست‌ها و هدف‌گذاری فعال‌تری موردنیاز است. باید توجه داشت که توسعه ظرفیت بنگاه‌های داخلی جهت استفاده از منافع FDI بسیار مهم است. از طرف دیگر جهانی شدن از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ضرورتاً مستلزم همگرایی تولید و سایر فعالیت‌های داخلی با فعالیت‌های TNCs است. با توجه به وضعیت کنونی زیربخش‌های صنعتی ایران، می‌توان دو حالت را در نظر گرفت. حالت اول آن دسته از فعالیت‌هایی است که در حال حاضر بازارهای داخلی آنها محدود بوده و مزیت نسبی عمده‌ای ندارند و یا سیاست‌های اقتصادی مانع بهره‌برداری کامل از این مزایا است. طبیعی است که در این فعالیت‌ها جذب ورود قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند مشکل باشد. در چنین مواردی لازم است بنگاه‌های داخلی در یافتن شرکای خارجی مناسب و تعیین الگوی همکاری پیشقدم شوند. ارتقای چنین همکاری برای بنگاه‌های داخلی از طریق توسعه سیستم‌های اطلاعاتی و تسهیل ارتباط با بنگاه‌های خارجی باید توسط دولت انجام گیرد. برای اینکه شرکت‌های داخلی بتوانند ار